



محمد تقی ادهم نژاد

تولد و تحصیلات

شرح زندگی، خدمات و آثار جاویدان مبلغ بزرگ، انقلابی و تأثیرگذار دوران معاصر، حاج شیخ عباسعلی قرائتی سبزواری مشهور به اسلامی واعظ رحمته الله علیه به تنهایی می‌تواند الگو و سرمشق ارزنده‌ای برای همه شیفتگان خدمت به دین و میهن اسلامی به‌ویژه مبلغان جوان دینی کشور باشد.

این خطیب نستوه و مبارز، در سال ۱۲۷۵ ش مطابق با ۱۳۲۳ ق در شهر سبزوار، یکی از شهرهای استان خراسان رضوی به دنیا آمد. قرآن و

دروس ابتدایی و مقداری از مقدمات علوم دینی را در شهر سبزوار آموخت و آن‌گاه برای تکمیل علوم و معارف اسلامی وارد حوزه مشهد مقدس گردید. زندگی او تاسی سالگی در سبزوار و مشهد گذشت و از اساتید علوم دینی این دو شهر بهره‌فراوانی برد.

در سال ۱۳۰۵ ش به همراه عده‌ای از مردم خراسان، راهی عراق گردید و سالیان متمادی در شهرهای کربلا، نجف و سامراء ساکن شد و از محضر عالمان بزرگی همچون آیه الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی و حاج آقای

محدودیت‌های فراوانی از لحاظ دینی توسط رضاخان سر ملت ایران حکمفرما بود و وی به پیروی از اربابان خود فشارهای مضاعفی بر حوزه‌های علمیه و روحانیون فراهم ساخته بود. اسلامی واعظ بعد از مراجعت به ایران مدتی را در شهرهای سبزوار، مشهد و بیرجند سپری کرد و مشغول تبلیغ و ارشاد و هدایت مردم گردید تا اینکه در سال ۱۳۱۳ ش عازم هندوستان شد و به مدت هفت سال در آن دیار مشغول تبلیغ و نشر احکام و معارف علوی گردید.

مسافرت به هندوستان

مسافرت اسلامی واعظ به هند از آنجا آغاز شد که وی در نجف اشرف با یکی از روحانیون سرشناس شهر «لکنهو» ی هند به نام «نجم العلماء» که مؤسس مدرسه‌ای به نام «مدرسه الواعظین» بود، آشنا گردید. نجم

بزرگ تهرانی صاحب الذریعة، بهره‌های علمی فراوانی برد.^۱

اسلامی واعظ در هنگام تحصیلات در نجف اشرف بر اثر کثرت مطالعه و اشتغالات متنوع علمی مبتلا به عارضه درد چشم گردید و اطبا او را از مطالعه و نگاه کردن به صفحات کتاب برحذر داشتند. ایشان برای بهبود، مدتی را در کربلا ماند و آن‌گاه به سوریه رفت و چند ماهی را در دمشق گذرانید و از نزدیک با وضعیت مسلمانان آن دیار آشنا شد. بعد از بهبودی نسبی، به نجف بازگشت و رابطه گرم خود را با علما و روحانیون این شهر تجدید نمود. محیط فرهنگی و دینی شهر نجف تأثیر عمیقی بر زندگی و بینش دینی وی گذاشت و مسیر زندگی او را مشخص کرد.

مراجعت به ایران

اسلامی واعظ پس از سالیان متمدای اقامت و تحصیل در عراق و تکمیل مدارج عالیہ علمی و اخذ اجازات از اساتید فرزانه با کوله‌باری از اندوخته‌های علمی در سال ۱۳۱۰ ش در حالی وارد ایران شد که اختناق و

۱. ستارگان حرم، ج ۷، صص ۳۰-۳۲؛ طلایه‌دار فرهنگ اسلامی در عصر اختناق، تألیف مرحوم اسلامی واعظ، تهران، انتشارات کتابخانه بزرگ اسلامی، اول، ۱۳۷۴ ش، صص ۸، ۱۲، ۱۳، ۱۲۵، ۱۵۰ و ۱۲۶.

و سخنوری بهره‌مند بود، در محافل و مجالس علمی و فرهنگی و در میان شیعیان شهرهای مختلف خوش درخشید و به شهرت بسزایی دست یافت. او علاوه بر سخنرانیها، در نزد نجم العلماء به تحصیل پرداخت و از شیوه‌های جدید و ابتکاری آموزشی مدرسه بهره‌های فراوان برد و آشنایی کامل پیدا کرد.^۱

الگوگیری از مدرسه الواعظین

ورود مرحوم اسلامی به هند در زمانی اتفاق افتاد که این دیار تحت تسلط و سیطره انگلیس بود. در آن روزگار انگلیسیها تلاش داشتند برای پیشبرد اهداف استعماری خود لاقبل بخشی از مردم هندوستان را با این اهداف هماهنگ کنند. به همین منظور، مدارس جدیدی برای آموزش دروس مورد نظرشان ساختند و کوشش گسترده‌ای را صورت دادند تا با سنتهایی که به زعم آنان مانع پیشرفت هندوستان بود، مبارزه شود.

العلماء در آن زمان از علما و مراجع بزرگ نجف درخواست کرده بود تا عده‌ای از روحانیان فاضل را جهت تقویت شعائر اسلامی شیعیان و پربار کردن توان علمی و دینی دانش‌آموزان «مدرسه الواعظین» به هندوستان اعزام دارند.

مرحوم اسلامی ابتدا به فکر افتاد تا راهی سرزمین هندوستان شود؛ اما برخی از دوستان او را از این تصمیم منصرف کردند. وی بعد از مراجعت به ایران، همواره تصور سفر به هندوستان و دیدار از مدرسه الواعظین را همچون یک رؤیا در ذهنش داشت تا اینکه در سال ۱۳۱۳ ش با کمک و همکاری شوکت الملک علم، حاکم بیرجند موفق به اخذ گذرنامه شد و با هدف تبلیغ احکام دین راهی سرزمین عجائب هند گردید و وارد شهر «لکنهو» شد و مورد استقبال «نجم العلماء» مؤسس مدرسه الواعظین قرار گرفت.

از آنجایی که ایشان دارای معلومات فراوان علمی و دینی بود و نیز از نعمت قدرت بیان و شیرینی کلام

۱. جامعه تبلیغات اسلامی، حمید کرمی پور، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰ ش، صص ۲۲-۲۳.

آموزشی و... در آن مدرسه، اسلامی واعظ را سخت تحت تأثیر قرار داد؛ به طوری که بعد از مراجعت به ایران «جامعه تعلیمات اسلامی» را براساس آن طرح موفق، پایه‌گذاری نمود و بسیار خوش درخشید.^۱

مهاجرت به تهران

وی بعد از هفت سال اقامت در هند در سال ۱۳۱۹ ش به ایران آمد و کارهای خود را در مشهد شروع کرد؛ ولی به دنبال لورفتن اقدامات تبلیغی وی و شدت عمل مأموران رضاخان به ناچار در همان سال به تهران مهاجرت کرد. به برکت قدوم مبارک و سخنرانیهای پربار ایشان، مدارس تعلیمات دینی در تهران و شهرستانها احداث گردید.

اسلامی واعظ در روزگاری که در هندوستان به سر می‌برد، از اوضاع غریب روزگار خود مطلع شد و به این

بخشی از هندوها با انگلیسیها از در آشتی و مسالمت وارد شدند و فرزندان خود را برای فراگیری علوم و فنون جدید در مدارس انگلیسیها ثبت‌نام کردند.

تحولات فوق برخی از چهره‌های شاخص شیعه هند را به فکر انداخت تا هم برای عقب‌نماندن از هندوها و هم آلوده نشدن به همکاری با اجانب بیگانه، مستقلاً مدارسی ایجاد کنند. هدف آنان از این کار، هم دست یافتن به علوم و فنون جدید و هم حفظ و نگه‌داری میراث و سنت دینی تشیع بود. تأسیس مدرسه‌ای تحت عنوان «مدرسة الواعظین» در راستای تحولات فوق به دست توانای نجم العلماء، عالم برجسته شیعه هند بود که دروس فقه، اصول و زبان انگلیسی و عربی، مقاله‌نویسی و... در آن تدریس می‌شد و دارای کتابخانه بزرگی بود که دانش‌آموزان از آن استفاده می‌کردند.

آموزش علوم و فنون جدید همراه با آموزش علوم اسلامی، خلاقیت و نوآوری علمی، شیوه‌های ابتکاری در آموزش و تربیت و اخلاق

۱. همان، همچنین جهت اطلاع بیشتر با تحولات هند در این زمان و رقابت مسلمانان به خصوص شیعیان با هندوها برای دست‌یابی به علوم و فنون، ر.ک: کتاب «کشف هند» تألیف جواهر لعل نهرو، ترجمه محمود تفضلی.

نتیجه رسید که تنها راه رسیدن به پیشرفت، دست یافتن به علوم جدید، همراه با حفظ میراث و سنت گذشته است؛ لذا بعد از استقرار در تهران و به دنبال سقوط حکومت رضاخان در شهریور ۲۰، فعالیتهای گسترده‌ای را در بخشهای فرهنگی، سیاسی، تبلیغی و اجتماعی انجام داد و با مسافرت به شهرهای ایران به تأسیس مدارس و حوزه‌های علمیه و سایر اماکن عام المنفعة پرداخت که به اختصار به توضیح برخی از اقدامات وی می‌پردازیم:

فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی

۱. تأسیس مدارس تعلیمات اسلامی در تهران و شهرستانها؛
۲. تأسیس بیش از ۸۰ مسجد و حسینیه؛
۳. تأسیس مدارس دینی (حوزه) در شهرستانهای مختلف؛
۴. تأسیس چندین باب دارالایتام؛
۵. تأسیس دهها کتابخانه بزرگ در شهرهای مختلف؛

۶. انتشار مجله ماهانه تحت عنوان «مجله جامعه تعلیمات

اسلامی»؛

۷. تشکیل «جمعیت پیروان

قرآن»؛

۸. تألیف دهها کتاب و مقاله

سودمند.^۱

چگونگی تأسیس مدارس اسلامی

وی بانی و پایه‌گذار بزرگ‌ترین مدارس زنجیره‌ای به سبک جدید و نوین در عصر طاغوت بود. او موفق شد در طول حیات خود بیش از ۱۸۳ باب مدرسه در تهران و شهرستانها تأسیس و پایه‌گذاری نماید. این مدارس که شامل مقاطع ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان و به دو صورت دخترانه و پسرانه بود، توانست هزاران نفر از فرزندان این مرز و بوم را در خود تربیت نماید و امروز بسیاری از مدیران و فرهیختگان متدین جامعه از تربیت‌یافتگان مکتب مرحوم اسلامی هستند.

ایشان در سال ۱۳۲۲ ش موفق

گردید امتیاز اولین مدرسه ملی (غیر

۱. تفصیل خدمات وی در مجله «یاد»، ش ۱۸، بهار ۱۳۶۹ ش و روزنامه رسالت، ش ۱۳۰۰ و ۱۳۰۴ همان سال آمده است.

مدارس و نگرانیهای دولت وقت به ویژه وزارت فرهنگ در گزارشهای ساواک^۱ به کزات منعکس شده است. مدارس و شیوه آموزش اسلامی و دینی ایشان با حمایتهای گسترده علما و مراجع^۲ همراه بود.

حضرات آیات عظام: بروجردی، سید محمدتقی خوانساری، سید صدر الدین صدر، سید محمد حجت، فیض قمی، امام خمینی، حکیم، گلپایگانی، سید احمد خوانساری، سید ابو القاسم کاشانی، میلانی، مرعشی نجفی، بسهبهانی و... نیز با حمایتهای همه جانبه، از وجود چنین مدارس اظهاری خرسندی کردند و به دنبال حمایت مراجع، بسیاری از بازاریان متدین در کار حمایت مالی این مدارس نقش مؤثری ایفا نمودند و نیز بسیاری از چهره‌های فرهیخته که عمدتاً از شاگردان حضرت امام راحل علیه السلام بودند

دولتی) را کسب نماید؛ اما قبل از تأسیس مدرسه، اولین تشکل مذهبی تحت عنوان جمعیت پیروان قرآن را ایجاد کرد که خود عهده‌دار تدریس اصول عقاید به شیوه نوین در آن تشکل بود. اغلب مدرّسان و معلمان مدارس خود را که بسیاری از آنان از برجستگان فرهنگی و نویسندگان مذهبی بودند، از درون همین تشکل مذهبی جذب و از وجود آنان برای رشد و تکامل فرزندان مردم در مدارس بهره‌برداری نمود.

تأسیس این مدرسه و به دنبال آن مدارس دیگر که همراه با جذب افراد مؤمن و کارآمد و با شیوه آموزشی متفاوت با دولت طاغوت بود، با استقبال گسترده عموم مردم متدین و مسلمان روبه‌رو شد. مرحوم اسلامی به هر شهری که مسافرت می‌کرد و در متابر از شیوه کار مدارس سخن می‌گفت، بلافاصله عده‌ای از متدینین شهر که عمدتاً بازاری و تجار محترم بودند، اقدام به تأسیس مدرسه تحت مدیریت وی می‌نمودند. هجوم افراد برای ثبت نام فرزندان خود در این

۱. گزارشات و اسناد محرمانه ساواک درباره فعالیتهای اسلامی واعظ و مدارس ایشان در کتاب «تعلیمات اسلامی»، بخش آخر، صص ۱۱۳ - ۲۸۰ به تفصیل آمده است.

۲. جامعه تعلیمات، ص ۷۷.

سالهای پنجم و ششم ابتدایی را علامه بزرگوار طباطبایی^۳ صاحب تفسیر المیزان تألیف و تدوین کرد و یا کتاب «تربیت و تعلیم دینی» را شهید باهنر^۴ تدوین نمود و نیز کتاب «اخلاق اسلامی» توسط یکی از اساتید متدین دانشگاه به نام حسینعلی گلشن که شامل مفاهیم اخلاقی به روش ساده و ادبی بود، تدوین گردید. همچنین اغلب تألیفات و کتب مورد نیاز این مدارس شامل احکام، اصول عقاید و تفسیر قرآن به شیوه جالبی به قلم مرحوم سید محمدرضا رجایی صورت پذیرفت. نوشته‌های وی همواره مورد استقبال عموم بود و در خارج از مدارس طرفداران زیادی داشت؛^۵ به گونه‌ای که از سوی مسلمانان امریکا نیز تقاضاهایی برای ارسال نوشته‌های وی به جامعه تعلیمات واصل می‌گردید.

به تاسی از مدارس اسلامی در شهرهای مختلف اقدام به تأسیس مدارس جدید نمودند، همانند: شهید بهشتی در قم، آیه الله احسان‌بخش در رشت، علامه کرباسچی در تهران.

مدارس جامعه تعلیمات اسلامی در سال ۱۳۲۸ ش صاحب اساسنامه و مرامنامه شد^۱ و بدین وسیله همه راههای نفوذ طاغوت مسدود گردید. عوامل منفور رژیم پهلوی به ویژه ساواک با همه توان و علی رغم اخلال‌گریها، کارشکنیها، فشارها و محدودیت‌های گوناگون هیچ‌گاه موفق به تعطیلی این مدارس نشدند و حتی نتوانستند خللی در اجرای برنامه‌های علمی و آموزشی آن وارد سازند.^۲

کیفیت آموزش و دروس

مرحوم اسلامی علاوه بر آموزش کتب رسمی، جهت ارتقای توان دینی و علمی مدارس خود، اقدام به تدوین و تألیف کتب دینی نمود که انجام این مهم به عهده برخی از شخصیت‌های برجسته حوزه و دانشگاه بود؛ چنان‌که به پیشنهاد مرحوم اسلامی، کتاب «تعلیمات دینی» برای دانش‌آموزان

۱. تعلیمات اسلامی، ص ۷۵.

۲. همان، ص ۸۶.

۳. همان، ص ۹۰.

۴. همان، ص ۸۵.

۵. همان، ص ۹۲.

سایر اقدامات فرهنگی

از سایر اقدامات این مدارس، اقامه نماز جماعت، اجرای دعا و نیایش به جای سرود صبحگاهی در مدرسه، اهدای جوایز بسیار ارزشمند، اردوهای ورزشی، تفریحی، کو‌هپیمایی، مسافرت‌های تفریحی و زیارتی و علمی دانش‌آموزان، اجرای برنامه‌های آموزشی دینی و علمی، و فوق برنامه‌های فنی و آزمایشگاهی مدارس بود که موفقیت فراوانی را به دنبال داشت؛ به حدی که اغلب دانش‌آموزان این مدارس - طبق گزارشات ساواک - با رتبه‌های ممتاز در آزمونهای دانشگاهها پذیرفته می‌شدند و نیز از جمله اقدامات این مدارس، انتشار مجله‌ای تحت عنوان «جامعه تعلیمات» به صورت ماهیانه بود که در موضوعات دینی همانند: اصول عقاید، فروع دین، اخلاق اسلامی، تعلیم و تربیت، تاریخ انبیاء، مباحث اجتماعی، بهداشت، تاریخ اسلام، علوم جدید و نیز گزارش عملکرد مدارس به صورت روشن و شفاف منتشر می‌شد.^۱

فعالیت‌های تبلیغی - سیاسی

اسلامی و اعظ یکی از بزرگ‌ترین خطبای نامدار بود که برای ارشاد و هدایت مردم به اغلب شهرهای ایران و

حتی در خارج از ایران به کشورهای مختلف مسافرت نمود. او مبلغی موفق بود و در سنگر تبلیغ و خطابه یکی از مدافعان واقعی اسلام به شمار می‌آمد و با همه توان از حریم اسلام دفاع می‌کرد و با شجاعتی وصف‌ناپذیر از شاه و رجال مملکتی انتقاد می‌نمود که به همین خاطر دوازده بار به زندان افتاد و هر بار با وساطت مراجع تقلید و بزرگان و نیز فشارهای افکار عمومی از زندان آزاد گردید.

او از جمله وعظ انقلابی و طرفدار امام بود که بارها به جرم حق‌گویی و طرفداری از نهضت اسلامی امام زندان و یا ممنوع المنبر و ممنوع الخروج شد. جالب آنکه از این ۱۲ مورد زندان ایشان، چهار مورد آن فقط به خاطر حملات شدید وی به شخص شاه در شهرهای تهران، بندر انزلی، مشهد مقدس و شهرری بوده است.^۲

منابر اسلامی و اعظ که آمیخته با

۱. جهت آشنایی بیشتر با عملکرد مدارس اسلامی، ر.ک: نشریه یاد، شماره ۱۸۰، بهار ۱۳۶۹ ش.

۲. شرح وقایع زندگی و مبارزات مرحوم اسلامی در: تعلیمات اسلامی، صص ۱۰۳-۱۰۶. آمده است.

پیشبرد اهداف نهضت امام راحل علیه السلام تصمیماتی اتخاذ می‌شد و نیز آن مرحوم با هیئتهای مذهبی تهران روابط دائمی داشت و از جمله آنها هیئت مذهبی قائمیه بود که همواره در جلسات آنان یاد و نام حضرت امام زنده نگه داشته می‌شد.

خلاصه آنکه چهره انقلابی و دشمن ستیز اسلامی و سوابق زندانهای طولانی او به سالهای بسیار دور برمی‌گردد. درگیری او در حادثه کشف حجاب با رژیم منحط پهلوی او را تا پای اعدام به پیش برد. روابط بسیار نزدیک وی با فدائیان اسلام و همکاری نزدیک او با مرحوم آیه الله کاشانی و مسافرتهای او به نمایندگی از طرف ایشان در شهرهای مختلف کشور و سخنرانیهای^۳ پرشور او همه و همه

سیاست بود و افشاگری علیه مفسد رژیم را در سرلوحه امور تبلیغی خود قرار داده بود، همواره در میان مردم، مشتاقان فراوانی داشت و به حق، او مصداق روشن «الْعَالَمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَابِسُ»^۱ به شمار می‌آید. او با همه قدرت و توان تبلیغی خود در حمایت از امام راحل علیه السلام از ابتدای نهضت اسلامی تا پیروزی انقلاب اسلامی وارد میدان گردید و از جمله وعاظ تأثیرگذاری بود که در جریان حادثه ۱۵ خرداد دستگیر و زندانی شد.

نام و امضای ایشان در پای بسیاری از اعلامیه‌ها و بیانیه‌های علما و مدرسین و خطبا دیده می‌شود و علی‌رغم کهولت سن در راهپیمایها و تظاهرات مردم مسلمان به رهبری امام خمینی علیه السلام شرکت می‌کرد.^۲ و حتی در زمان جنگ تحمیلی در جبهه‌ها حضور می‌یافت و رزمندگان اسلام را تشویق به ادامه مقاومت علیه دشمن می‌کرد. همچنین با بسیاری از شخصیتهای انقلابی در ارتباط بود. اغلب جلسات وعاظ تهران در منزل وی برگزار می‌گردید و در این جلسات برای

۱. الکافی، شیخ کلینی، ج ۱، ص ۲۶، ح ۲۹، روایت امام صادق علیه السلام «کسی که به [امور] زمان خود واقف باشد، شبهات بر او هجوم نمی‌آورد».
۲. رک: نهضت روحانیون ایران، ج ۳ و ۴، ص ۵۹، ۶۱، ۷۳، ۱۱۳ و ۳۵۴؛ اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۲۵۸.

۳. عنوان یکی از سخنرانیهای مرحوم اسلامی «طرح نو» است که در «گفتار و وعاظ»، محمدمهدی تاج لنگرودی و واعظ، ج ۱، صص ۳۷-۴۶ آمده

اداری، فنی، مأمورین، کارمندان فنی، برای خانواده‌هایشان مصونیت باشد؛ لیکن آقای قاضی در حبس باشند. آقای اسلامی (حاج شیخ عباسعلی) را با دستبند ببرند این‌ور و آن‌ور. این خدمتگذاران اسلام باید در بندر عباس حبس باشند. وعاظ اسلام باید در حبس باشند.»^۲

برخی از فعالیتهای اجتماعی

مرحوم اسلامی دارای نبوغ و استعداد فکری فوق العاده و در فعالیتهای اجتماعی دارای ابتکار خاصی بود. برخی از طرحهای مطرح شده از سوی اسلامی واعظ عبارت‌اند از:

الف. طرح تأسیس تربیت مبلغ با استمداد از آرای مراجع دینی.

وضع نابسامان تبلیغات دینی در زمان اسلامی واعظ به اوج خود رسیده بود و بدون هیچ برنامه و ضابطه‌ای هر کس از هر کجا و با هر کیفیت و سلیقه‌ای بی‌محابا دست به آن امر خطیر و حساس می‌زد و چه بسا مفاسدی به بار می‌آورد که به مراتب

نشانگر چهره انقلابی و مبارزاتی آن مجاهد آگاه می‌باشد. از همه مهم‌تر، همکاری با اخلاص آن دانشمند فرزانه در کنار امام راحل علیه السلام در دوران نهضت مقدس اسلامی و در آن روزهای حساس و خطرناک، گویای این واقعیت است که او در هر فرصت و زمانی به فکر یاری اسلام و مسلمین بوده است و شاهد گویای این واقعیت، سخنرانی پرشور امام امت علیه السلام است که در تاریخ ۱۳۴۱/۱۲/۱ بعد از ذکر جنایات رژیم پهلوی فرمود: «اگر آقای اسلامی را نگذاشتند در تهران منبر برود، دیدند که ایشان در بندر پهلوی منبر رفتند و حقیقت را در آنجا بیان داشتند. اگر در بندر پهلوی از ادامه سخنان ایشان جلوگیری کردند، شک نداشته باشند که ایشان سخنان خود را در جای دیگر دنبال خواهند کرد و هر جا که فرصت پیدا کند، مطالب را به گوش مردم خواهد رساند.»^۱

حضرت امام در سخنرانی مشهور خود علیه کاپیتولاسیون نیز چنین فرمود: «می‌خواهند نفوذ ایرانی قطع بشود.

باید برای آشیپزهای آمریکایی، برای مکاتیک آمریکایی، برای اداری آمریکایی،

است.

۱. صحیفه نور، ج ۱، ص ۳۶؛ تعلیمات اسلامی، ص ۵۲.
۲. همان مدارک.

منظور احداث مساجد، حسینیه‌ها، حمامها، بیمارستانها، حفر چاههای عمیق، تعمیر و مرمت جاده‌های اصلی و فرعی، تأسیس صندوق برای کمک به مستمندان، اقدام به دعوت روحانی و تهیه وسایل زندگی آبرومند برای روحانیون در روستاهای فاقد روحانی، تأسیس شرکت تعاونی، تشویق جوانان لایق برای تحصیل علوم دینی و...^۲ که بخشی از آنها در زمان حیات پرخیر و برکتش تحقق یافت و برخی نیز همانند طرح «تربیت مبلغ» و «طرح هجرت» که از آرزوهای دیرینه ایشان بود، در زمان انقلاب شکوهمند اسلامی به تحقق پیوست.

اوصاف و کمالات

مرحوم اسلامی واعظ دارای توفیقات فراوانی بوده است که بی‌سبب نصیب کسی نمی‌شود و به یقین نشأت گرفته از الطاف بی‌پایان الهی و ثمره عمل با اخلاص وی بوده است.

بیشتر از مصالح آن بود؛ لذا وی برای سامان بخشیدن به اوضاع تبلیغی روحانیون، «طرح تأسیس تربیت مبلغ» زیر نظر خطبای موفق و با تجربه کشور را با مراجع بزرگوار مطرح نمود که با استقبال و تأیید آنان روبه‌رو شد.^۱

ب. تأسیس مرکز چاپ و انتشارات برای چاپ کتابهای سودمند.

ج. انجمن روابط فرهنگی با تمام کستابخانه‌های جهان و دانشمندان و مستشرقان جهان.

د. طرح تشکیل هیئت بررسی مطبوعات و نشریات کشور.

ه. طرح تشکیل در مانگاههای مجهز برای رفاه حال مردم محروم و بی‌بضاعت به‌طور رایگان.

و. طرح بنای سالنهای مدرن برای جشنهای مذهبی و سخنرانیهای دینی.

ز. تعلیم راه و رسم مناظره به جوانان تحت سرپرستی استادان لایق برای مناظره

با ارباب ادیان به صورت منطقی و مستدل و تشکیل کانونی برای بانوان مسلمان جهت

تعلیم معارف دینی.

ح. طرح عمران و آبادانی مناطق و روستاها تحت عنوان «هیئت خیریه» به

۱. ستارگان حرم، ج ۷، ص ۳۹.

۲. به گفتار وی تحت عنوان «طرح نو»، گفتار واعظ، ج ۱، و کتاب «طلایه‌دار فرهنگ اسلامی در عصر اختناق» تألیف آن مرحوم که بعد از رحلت ایشان به چاپ رسیده است، مراجعه فرمایید.

رحلت

اسلامی واعظ بعد از عمری تلاش و خدمت به اسلام و مکتب حیات بخش علوی، ارشاد و هدایت مردم و خدمات علمی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، در سن ۹۹ سالگی در ۲۰ فروردین ۱۳۶۴ ش مطابق با ۲۵ رجب، سالروز شهادت امام هفتم علیه السلام در تهران دار فانی را وداع گفت و با تشییع باشکوهی در یکی از حجرات صحن بزرگ حرم حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.^۱ **عَاشَ سَعِيدًا وَمَاتَ سَعِيدًا.**

۱. ستارگان حرم، ج ۷، ص ۴۲؛ مجله یاد، ش

۱۸؛ روزنامه رسالت، ش ۱۳۰۴.

۲. شرح حال و زندگی مرحوم اسلامی واعظ در منابع ذیل آمده است:

طلایه‌دار فرهنگ اسلامی در عصر اختناق (شامل خاطرات آن مرحوم)؛ ستارگان حرم، ج ۷، گروهی از نویسندگان ماهنامه کوثر؛ جامعه تعلیمات اسلامی، حمید کرمی‌پور؛ آئینه دانشوران، ریحان یزدی، ص ۶۸؛ تربت پاکان قم، ج ۲، ص ۸۵۹، دانشوران قم، چاپ کنگره حضرت معصومه علیها السلام، ص ۲۸۷؛ سراج المعانی (شرح احوالات اصفهانی)، ص ۱۰۶؛ گنجینه دانشمندان، ج ۲، ص ۳۳۵.

ضمناً از کتب خاطرات آقایان: مؤمنی حائری، شجونی، انصاریان و... در این مقاله بهره گرفتیم.

او مردی شجاع، قاطع، اهل مناجات و سحرخیزی، شب زنده‌داری و تهجد، راز و نیاز و دعاها و زیارتها و گریه‌های پرسوز بود و عشق وافری نسبت به صدیقه کبری علیها السلام و حضرت سید الشهداء علیه السلام داشت.^۱

از شجاعت در سخنوری او همین بس که در مجلس تجلیل و ختم شهید حاج طیب رضایی شرکت و سخنرانی تندی را ایراد کرد و دهها مسافرت به حمایت از آیه‌الله کاشانی به اغلب شهرها نمود و بی‌اعتنا به ممنوع‌المنبر بودن از سوی ساواک در شهرهای مختلف به سخنرانی پرداخت و در رسوایی دستگاه سلطنت نقش مؤثری داشت و با صراحت به حمایت از فدائیان اسلام و نهضت امام خمینی علیه السلام پرداخت.

او با صراحت در منبر از ترور کِنْدی رئیس جمهوری امریکا که طراح اصلاحات ارضی در ایران بود، اظهار شادمانی نمود و به سیاستهای دولت امریکا حمله‌ور می‌شد. او حتی در کهولت سن هیچ‌گاه منبر و ارشاد را رها نکرد و بدان عشق می‌ورزید.